

# تحریک احساسات کور ناسیونالیستی ترک‌ها برای گرم کردن تنور انتصابات ریاست جمهوری اسلامی!

بهرام رحمانی  
bahram.rehmani@gmail.com

## مقدمه

شعارهای بازنشتگان سراسر کشور: «خیلی دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم» - «هم مجلس، هم دولت، دروغ می‌گن به ملت» و...

شورای نگهبان پس از بررسی سوابق هشتاد نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳، صلاحیت شش نفر از نامزدها را تایید و اسامی آنها در تاریخ نوزدهم خرداد، توسط وزارت کشور اعلام شد. مسعود پزشکیان، مصطفی پورمحمدی، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی و محمدباقر قالیباف، به‌عنوان شش نامزد انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری معرفی شدند. همه این افراد سابقه نظامی و سیاسی و قضایی دارند و همگی در سرکوب و کشتارهای ۴۵ ساله جمهوری اسلامی، مستقیماً نقش داشتند و دارند. بنابراین، هر کدام از آنها وارد کاخ ریاست جمهوری اسلامی شود قرار است راه ابراهیم رئیسی «جلاد» را ادامه دهد؛ یعنی در مقابل رهبر بلی قربان‌گو و تعظیم‌کننده و در مقابل مردم قداره‌بند و سرکوبگر باشد!

در مطلب و گفت‌وگوهای قبلی‌ام در مورد این نمایش انتخاباتی به‌طور عمومی اظهارنظر کرده‌ام. بنابراین در این مطلب، مشخصاً به یکی از نامزدها به‌نام «مسعود پزشکیان»، نماینده تبریز و اسکو در مجلس شورای اسلامی می‌پردازیم که نه تنها گرایش‌های اصلاح‌طلب و رفرمیست در داخل و خارج کشور، از او حمایت می‌کنند بلکه در تلاشند احساسات پان‌ترکیسی آذربایجان را تحریک کنند تا به پزشکیان رای دهند.

مسعود پزشکیان که خود را اصول‌گرای اصلاح‌طلب معرفی کرده اعتراف می‌کند که برای گرم کردن تنور این سیرک مسخره حکومتی آمده است.

این در حالی‌ست که گلرخ ایرانی، زندانی سیاسی در نامه‌ای از زندان اوین خطاب به اصلاح‌طلبانی که مردم را به مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری تشویق می‌کنند نوشت: شما نه برای پیروزی در انتخابات بلکه برای شکست مردم به میدان آمده‌اید.



## محورهای اصلی سخنرانی شش‌کاندیدا در ستاد انتخابات کشور

محورهای اصلی سخنرانی شش‌کاندیدا در ستاد انتخابات کشور؛ در این سخنرانی‌ها علیرضا زاکانی، شهردار کنونی تهران گفت: «قرار است با برنامه و کارنامه برای پیشرفت ایران عزیز با محوریت عدالت با رفع فساد و تبعیض تا آخر پای مردم بمانم.» او هم‌چنین «شفافیت و فسادستیزی و مبارزه بی‌امان با رانت‌خواری» را جزو برنامه‌های خود اعلام کرد. زاکانی در مقام شهردار تهران به‌تازگی قراردادی بزرگ در شرایطی غیرشفاف با شرکت هواپیمایی ماهان منعقد کرده و طی آن سند شش‌دانگ یک زمین به مساحت ۳۰ هزار متر مربع در منطقه ۲ تهران را در اختیار هواپیمایی ماهان قرار داده تا در آن «اقدام به ساخت مرکز تفریحی و گردشگری» کند. مسئله قرارداد غیرشفاف دو میلیارد یورویی با یک شرکت ساختمانی چین برای واردات اتوبوس نیز هم‌چنان ابهام خود را حفظ کرده است.

در این سخنرانی‌ها، مسعود پزشکیان، وزیر سابق بهداشت و نماینده کنونی مجلس، بر لزوم اجرای دقیق سیاست‌های کلی رهبر جمهوری اسلامی و استفاده از افراد توانمند تأکید کرد. سعید جلیلی، مردی که به تندروی و تحجر معروف است، از «فرصت تاریخی جهاد بزرگ برای جهش ایران» به‌واسطه «دولت خدمتگزار» حرف زد.

امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، به اهمیت دولت مردمی و مکتبی و نقش آفرینی جوانان نخبه اشاره کرد. او که در دلوت رئیسی معاون او هم بود، تأکید کرد که راه رئیسی را ادامه خواهد داد و وعده‌های خود را «انقلاب سازگاری» نامید.

محمدباقر قالیباف، رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی، از سوءمدیریت کشور در دهه ۹۰ گفت و از لزوم ایجاد دولت کارآمد و انقلابی سخن به میان آورد. او ضمن برشمردن مشکلات مختلف کشور اعلام کرد که تمام آن‌ها قابل حل است. او که در یکی دو دهه اخیر از کانون‌ها و موضوعات همیشگی جدل‌های سیاسی بوده، هم‌چنین گفت که با حضورش جدال‌های سیاسی کاهش خواهد یافت. عجیب آن‌که هم‌زمان با اعلام نتایج رد صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان، یاشار سلطانی، منتقد جدی و افشاگر فسادهای مرتبط با قالیباف در همان ساعات اولیه بازداشت و زندانی شد.

قالیباف رئیس فعلی مجلس شورای اسلامی از سال‌های نسبتاً دور که شهردار تهران بود تا امروز با اتهامات جدی فساد مالی و سوءاستفاده از قدرت مواجه بوده و هست. او در سال ۱۳۸۴ با اتهام دریافت «پول‌های کثیف» برای ستاد انتخاباتی‌اش خرساز شد. ماجرای املاک نجومی، کمک از پول شهرداری به مؤسسه خیریه امام رضا که به نام همسر اوست و «سیسمونی گیت» تنها مواردی است که در کارنامه فساد او جای گرفته است.

میان همه سخنرانی‌ها شاید عجیب‌ترین سخنرانی را پورمحمدی داشت. او هیچ برنامه‌ای ارائه نداد و تنها به ناکامی‌ها و کاستی‌های گذشته اشاره کرد. او تنها در پایان سخنرانی خود وعده داد که دولت چهاردهم را با اولویت‌های عدالت، ثروت و قدرت تأسیس کند. یکی از نکات قابل توجه سخنرانی‌های این شش‌کاندیدا آن است که هیچ‌یک در مورد سیاست خارجی سخنی نگفتند و برای مثال از تلاش خود برای رفع تحریم‌ها حرفی به میان نیاورده‌اند. اما جالب آن‌جاست که اکثر چهره‌های رد صلاحیت‌شده در سخنرانی‌های پنج دقیقه‌ای خود به این موضوع اشاره داشتند.

موضوعات مربوط به زنان در سخنرانی‌های پنج‌دقیقه‌ای کاندیداها جایی نداشت. حتی با وجود جنبش اعتراضی «زن زندگی آزادی» در سال ۱۴۰۱ که ایران را تکان داد و به شدت هم سرکوب شد، هیچ‌یک از داوطلبان هیچ اشاره‌ای به خواسته‌های مردم در این اعتراضات اشاره‌ای نکرد. فراتر از آن، موضوع حقوق و آزادی‌های فردی نیز در سخنان این افراد به هیچ وجه مورد توجه قرار نگرفت.

از سوی دیگر در حدود چهار سال گذشته میلیون‌ها ایرانی با محدودیت‌های جدی در دسترسی به اینترنت آزاد روبه‌رو بوده‌اند و این مسئله در زندگی روزمره و کسب‌وکارهای آن‌ها تأثیرات منفی زیادی داشته است. با این حال، در سخنرانی‌های کاندیداها، تنها قالیباف درباره اینترنت صحبت کرد؛ یعنی کسی که طرح موسوم به «صیانت» در زمان ریاست او بر مجلس موضوعیت پیدا کرد؛ طرحی که به دنبال ایجاد محدودیت‌های بیش‌تر در جریان آزاد اطلاع‌رسانی است.

همه این شش نفر، در حالی به‌زعم خود بخشی از مشکلات جمعی را عنوان کردند که در سالیان اخیر هریک در گوشه‌ای از ساختار قدرت کمابیش نقش بازی کرده‌اند و هم‌چنان نیز برای اجرای «سیاست‌های رهبری» (سیاست‌های شکست خورده)، به‌عنوان سرمشق هرگونه تحول و تغییر تأکید دارند.

روشن است که با سخنان و مواضع این شش کاندیدای شش‌لول‌بند و مرتجع، امکان ندارد حتی همه طرفداران حاکمیت و مردم متوهم را نیز به پاس صندوق‌های رای حاکمیت جهل و جنایت و ترور بچه‌کش بکشاند!

آخوند علم‌الهدی نماینده خامنه‌ای در مشهد هم بر تعیین یک رئیس‌جمهور مانند رئیسی و سرسپردگی او به خامنه‌ای تأکید کرد و گفت: ما به دنبال یک رئیسی دوم هستیم.

آخوند طباطبایی‌نژاد امام جمعه موقت خامنه‌ای در اصفهان نیز درباره مضحکه انتخاباتی گفت: اینهایی که کاندید هستند بالاخره اینها ظاهر خوبی دارند شورای نگهبان هم تأییدشان کرده ولی پشت سرشون خیلی حرف می‌زنند. گوش نده به حرف‌های چرتی که دیگران می‌زنند حق نداری حرف‌هایی که دیگران می‌زنند بهش تمسک کنی؛ چرت و پرت می‌گویند یعنی حرف‌های بی‌تحقیق حرف‌هایی که همین‌طوری شنیدند اونا اینارو گوش نده...

آخوند محمد حسینی، رییس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش خامنه‌ای هم با بیان این‌که شرکت در انتخابات نظام اسلامی واجب عینی است، گفت: شرکت در انتخابات به معنای تجدید بیعت با ولی فقیه و نظام جمهوری اسلامی است و عدم مشارکت در انتخابات، موجب خسران دنیا و آخرت می‌شود.



قیافه‌های شش نامزد ریاست جمهوری حزب الهی با لباس نظامی

### پاره‌ای از خرده «فرمایشات» مسعود پزشکیان

در این میان، مسعود پزشکیان نماینده مورد حمایت جریان اصلاح طلب که از حامیان سرسخت سپاه پاسداران و از مدافعان اقدامات رهبر جمهوری اسلامی است، بیش از آن که وعده‌های مشخص انتخاباتی بدهد، بیش‌تر خط قرمزهای حاکمیت را به رخ مردم می‌کشد و یادآوری می‌کند.

پزشکیان از حامیان طرح «گشت ارشاد» بوده که در دولت «اصلاح طلب» محمد خاتمی تدوین و تصویب شد. پزشکیان در سال ۹۱ که نماینده مجلس شورای اسلامی بود طرح سؤال از محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت را امضاء کرده که «چرا طرح عفاف و حجاب اجرا نشده است!» او هم چنین تاکید کرده بود که حجاب قانون است و باید اجرا شود.

مسعود پزشکیان در گفت‌وگوی ویژه خبری خود بر سرسپردگی خود به خامنه‌ای تاکید کرده و گفته که «قرار نیست برنامه جدید بنویسیم و سیاست جدیدی اجرا کنیم» و «سیاست های کلی رهبری مشخص است» و «بنابراین نقشه سیاست ها معلوم است و مجریان وظیفه اجرای مسیرهای تعیین شده را دارند تا ما را به آن هدف ها برسانند.»

او هم چنین در نشست در دانشگاه تهران گفت «رهبری را قبول دارم؛ اصلا ذوب او هستم، حق توهین و بی‌احترامی ندارید!» اصلاح طلبان که همواره در انتخابات بر رای قشر دانشجوی حساب ویژه باز می‌کردند، این بار نیز مسعود پزشکیان را راهی دانشگاه‌ها کردند تا شاید رأی بخشی از دانشجویان مردد شرکت در انتخابات را به سود خود جذب کند اما او در نشست‌های دانشگاهی ناکام ماند و با تندترین برخوردها روبه‌رو شد.

پزشکیان در سخنرانی تازه خود در «جبهه اصلاحات» خود را یک اصول‌گرای اصلاح طلب خواند و گفت: «من اصول‌گرایم و این اصولی است که به خاطرش می‌خواهیم اصلاح کنیم.»

مسعود پزشکیان نماینده فعلی و ادوار مجلس بعد از ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری دوره چهاردهم، در جمع خبرنگاران ضمن «تسلیم سانه برای شهدای خدمت»، گفت: «برای این که بتوانیم به مشارکت پرشور کمک کنیم، وارد صحنه رقابت شدم.»

او افزود: «آنچه ما و مجریان باید انجام دهند، حرف‌های جدید و راه جدید نیست؛ مشکل ما این است که آن‌چه سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی رهبری و قانون و برنامه است را یک طرف می‌گذاریم و از خودمان حرف‌های دیگری می‌زنیم.»

پزشکیان گفت: «باید برای اهداف سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری تلاش کنیم. قرار بوده ایران جایگاه اول منطقه را در عرصه اقتصاد، علمی و فناوری با هویت اسلامی و انقلاب داشته باشد.»

پزشکیان: «من باز هم لباس سپاه می‌پوشم؛ سپاه اگر نبود کشور تجزیه شده بود.»

پس پزشکیان تا این جا موضع خودش را صریح و روشن بیان کرده است و آن هم گفته است من «اصول‌گرای اصلاح طلب» هستم. در واقع کشف جناح جدیدی در میان جناح‌های مرتجع حکومتی؛ او تاکید می‌کند قرار نیست سیاست‌ها و حرف‌هایی جدیدی پیش گرفته شود؛ یعنی همان حرف‌های و سیاست‌های ابراهیم رئیسی، آیت‌الله قاتل را باید زد و ادامه داد. از سوی دیگر، رئیس جمهوری باید «تدارک‌تچی» رهبر باشد و نه بیش‌تر.

### روایت مسعود پزشکیان از انقلاب فرهنگی

بنا به گفته پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکیان، «پس از انقلاب دکتر پزشکیان با تاسیس انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده پزشکی و کلاس‌های قرآن و نهج البلاغه و جلسات بحث و مناظره، باعث تقویت نیروهای مذهبی و وحدت آن‌ها در مقابل گروه‌های ضدانقلاب و تفکرات الحادی و التقاطی آنان شد.»

حملات جمهوری اسلامی تازه به قدرت رسیده در راستای سرکوب انقلاب مردم به دانشگاه‌ها، با سخنرانی رفسنجانی در دانشگاه تبریز در ۲۶ فروردین ۱۳۵۹ آغاز شد. به دنبال این سخنرانی، جمع کثیری از دانشجویان در بخش پرسش و پاسخ او را مورد مواخذه قرار دادند اما رفسنجانی تهدید به تصفیه دانشگاه‌ها کرد که با هو کردن دانشجویان مواجه شده و دانشگاه را ترک کرد.

در ۲۸ فروردین جمعی از بسیجیان و چماقداران با پشتیبانی پاسداران پس از یک راهپیمایی به دانشگاه تبریز حمله کرده و دفاتر و کتابخانه سازمان‌های سیاسی را تخریب کرده و آتش زدند. (خبرگزاری پارس، متعلق به سپاه پاسداران - ۲۸ فروردین ۱۳۵۹)

در همین روز افراد مسلح سپاه و بسیج در سراسر شهرهای ایران به دانشگاه‌ها یورش بردند. جریان ارتجاعی تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» در جامعه ما قدمتی در حدود عمر جمهوری اسلامی دارد، اما با وجود انتشار مباحث مختلف در این حوزه، شاید تاکنون کم‌تر به نقش سازمان‌دهندگان این جریان اشاره شده باشد. مسعود پزشکیان نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی که در سال ۱۳۵۹، یعنی زمان شکل‌گیری انقلاب فرهنگی در دانشگاه تبریز، دانشجوی دانشکده پزشکی بود، در گفت‌وگو با ایسنا، به خاطرات شفاهی این جریان از جمله نقش تبریز و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آغاز انقلاب فرهنگی پرداخته است.

او البته معتقد است که عموم شعارها و اهدافی که آن روز منشاء شکل‌گیری انقلاب فرهنگی شد امروز بر زمین مانده و باید مرحله دوم انقلاب فرهنگی را در دانشگاه‌ها راه انداخت.

پزشکیان با تشریح فضای آن روزها می‌گوید: روزهای منتهی به انقلاب فرهنگی در سال ۵۹، جو دانشگاه‌ها خیلی مبهم بود و گروه‌های سیاسی همه در حال فعالیت بوده و میدان را به دست گرفته بودند، در دانشگاه‌ها بیش‌تر افراد چپی و گروه‌های تشکیلاتی مختلف حضور داشتند و کارهای مشخصی را هم انجام می‌دادند.

روزی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را دعوت کرده بودند که برای سخنرانی به دانشگاه تبریز بیاید، ما هم آن زمان دانشجوی دانشکده پزشکی بودیم و چون این دانشکده در آن زمان منسجم‌تر بود و قدرت بیش‌تری داشت قرار شد که ایشان در این دانشکده سخنرانی کنند؛ چراکه در دانشکده‌های دیگر دانشگاه تبریز بیش‌تر گروه‌های چپی و مجاهدین حضور داشتند و تنها دانشکده‌ای که در هیات‌های محلی نیرو و قدرت و فضا داشت و کار می‌کرد دانشکده پزشکی بود و با تصور این که ممکن است آقای هاشمی را اذیت کنند ایشان را به دانشکده ما آوردند.

البته بر در و دیوار دانشگاه هم شعارهایی علیه آقای هاشمی رفسنجانی نوشته بودند از همان حرف‌هایی که این روزها هم عده‌ای که خود را مسلمان می‌دانند بر زبان می‌آورند؛ آن زمان نیروهای چپی و پیشگام‌ها و پیکاری‌ها و توده‌ای‌ها و مجاهدین این حرف‌ها را می‌زدند و امروز هم ظاهراً برخی ادعا می‌کنند مسلمانند و همان حرف‌ها را تکرار می‌کنند.

برخوردی که آن روز با آقای هاشمی رفسنجانی شد برای ما خیلی سنگین بود؛ چراکه به هر حال آن زمان ایشان نماینده تام‌الاختیار حضرت امام (ره) در شورای انقلاب و بسیاری دیگر از جاها بودند، در هر صورت آن جلسه با حضور بسیاری از گروه‌های مختلف چپی و توده‌ای برگزار شد و بعد از صحبت‌های آقای هاشمی جلسه بهم خورد و ایشان را به طریقی از جلسه خارج کردند و بعد از آن دعوا آغاز شد و کارمندان دانشگاه هم با دانشجویان یکی شدند و ...

پزشکیان در گفت‌وگوهایش به سابقه خود در انقلاب فرهنگی اشاره کرده است. دو گفت‌وگو به‌طور خاص در این مورد روشن‌گرند: گفت‌وگو با برنامه امنیتی «شناسنامه» با مجری‌گری محمدحسین رنجبران، و گفت‌وگو با برنامه امنیتی «جدال» با مجری‌گری علی علیزاده.

پزشکیان در گفت‌وگو با علی علیزاده در اشاره‌ای کوتاه به انقلاب فرهنگی یک کلمه به کار برد که نقش او را به‌خوبی نشان می‌دهد: «من وقتی دانشجوی بودم مسئول انجمن اسلامی بودم. مسئول‌گزینش بودم، مسئول پاک‌سازی.» اصلاح‌طلبی که این دوره قرار است برای بالا بردن مشارکت و داغ‌کردن تنور «انتخابات» کمپین به راه بیندازد، در انقلاب فرهنگی، مسئول «پاک‌سازی» بوده است.

انقلاب فرهنگی فاجعه‌ای برای دانشگاه‌های ایران بود. تنها چپ‌ها و کمونیست‌ها بیرون رانده نشدند. همه مخالفان دانشجوی، استاد و کارمند را بیرون کردند. پزشکیان نه تنها بابت مشارکت‌اش در این فاجعه عذرخواهی نکرده، که در گفت‌وگوهایش با افتخار آن را تکرار می‌کند.

لازم به یادآوری است که دانشگاه تبریز در پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ بسیار پیشگام و فعال بود. در گزارش هیات ویژه رسیدگی به حادثه تبریز آمده است: «وضعیت کلی در آغاز روز ۲۹ بهمن ۵۶ دانشگاه آذربادگان اگر چه رسماً تعطیل نبوده ولی حدود پنجاه درصد دانشجویان از حضور در دانشگاه خودداری نموده بودند. آن عده نیز که در دانشگاه حضور داشتند دو دسته بودند: یک دسته در کلاس‌های درس حاضر شده و دسته دیگر تعداد آن‌ها نسبتاً محدود بوده و از ساعت ۹ به آشوبگری، دادن شعار و شکستن شیشه‌های ساختمان در داخل دانشگاه پرداخته و کلاس‌های تشکیل شده را تعطیل نمودند. متعاقباً بین ساعت ۱۰ تا ۱۱ پس از شکستن شیشه‌ها و آتش زدن کیوسک گارد دانشگاه در حالی که از طریق کندن چوب‌های باغچه و شکستن درخت‌های دانشگاه چوب‌هایی بدست آورده بودند از دانشگاه خارج و به طرف شهر حرکت کردند.»

در روز ۲۹ بهمن ۱۱۸ نفر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و زخمی شدند. «۵۸۱ نفر دستگیر و ۹ نفر کشته، ۳ دستگاه تانک، ۲ سینما، یک هتل، کاخ جوانان، حزب رستاخیز و تعدادی اتوموبیل شخصی و دولتی به آتش کشیده شدند.» شمار کسانی که تا ظهر ۲۹ بهمن جان باختند ۶ تن بود. چند روز بعد تعداد کشته شدگان افزوده شد. از جمله کشته شدگان این واقعه می‌توان به محمد تجلا که دانشجوی ۲۲ ساله بود و همان روز کشته شد اشاره کرد و محمدباقر رنجبر آذرباد که بعد از ۱۰ روز کشته شد. هم‌چنین جوانی به نام قربانعلی شاکری در چهار راه دانشسرا با هدف سرنگونی مجسمه شاه خود را به مجسمه رساند اما گلوله ماموران به وی اصابت کرد و کشته شد.

در گزارش ارتشبد شفقت تعداد دستگیرشدگان ۵۸۱ نفر یاد شده است. این رقم در گزارش دیگری که ساواک با عنوان «وضعیت افراد دستگیر شده در جریان وقایع اخلاص گرانه ۲۹ بهمن ماه ۵۶ در تبریز» تهیه کرد و با طبقه بندی سری در قالب بولتنی تک برگی

انتشار داد تفاوت دارد. در آنجا آمده است که طی هفته اول تعداد ۶۹۳ نفر به اتهام شرکت در تظاهرات و تخریب توسط مأمورین انتظامی محل دستگیر و به دادسرای تبریز تسلیم گردیدند... بنابراین، دانشگاه تبریز با این کارنامه درخشان و انقلابی، هرگز حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی را نپذیرفت و نهایت با سرکوب و کشتار و بستن دانشگاه‌های کشور توانستند جنبش دانشجویی را برای دوره‌ای ساکت کنند.



پزشکیان با لباس سپاه پاسداران در مجلس شورای اسلامی

### پزشکیان در دوران معاونت وزارت بهداشت

پزشکیان در دوران معاونت وزارت بهداشت و سپس وزارت بهداشت در دولت اول و دوم خاتمی چندان وزیر گشاده و روشن‌اندیشی نبود. در واقع، آن‌قدر متحجر بود که سنگ بنای یکی از سیاست‌های جنسیت‌زده سلامت در این کشور را گذاشت: ممنوعیت پذیرفتن دانشجوی مرد برای رشته‌های پزشکی زنان.

کسی که علیه او دست به اعتراض زد، یک پزشک زن بود: دکتر فاطمه خاتمی، نماینده مشهد در مجلس ششم، مجلس اصلاح‌طلبان؛ همان مجلسی که وقتی نمایندگانش در اعتراض به حکم حکومتی دست به اعتصاب و تحصن زدند، پزشکیان با آن‌ها مخالف بود.

یکی از بی‌شمارانه‌ترین نقطه‌های کارنامه پزشکیان دفاع او از نماینده مجلسی است که جرم آزار و تجاوز جنسی او محرز شده بود.

### دفاع از نماینده متجاوز و آدم‌کش

این مدرس نهج‌البلاغه، در ابتدای دوره هشتم مجلس شورای اسلامی به دفاع از سلمان خدادادی، نماینده ملکان آذربایجان شرقی در مجلس پرداخت. خدادادی به دلیل تجاوز و آزار جنسی منشی و یکی از مراجعه‌کنندگان زن‌اش در دوران مجلس هفتم چند روزی در بازداشت در زندان اوین به سر برده بود. بازداشت او پس از رأی آوردنش برای مجلس هشتم رخ داد و به همین خاطر اعتبارنامه او برای مجلس هشتم را تأیید نمی‌کردند. پزشکیان به حمایت از نماینده‌ی هم‌استانی‌اش پرداخت که بدون هیچ سابقه‌ای در پزشکی، در مجلس ششم به کمیسیون بهداشت و درمان رفته بود و رابطه بسیار خوبی با پزشکیان داشت.

دفاع پزشکیان برای تأیید اعتبارنامه او، حمله به طرف مقابل بود. او سخنانش را این‌گونه با حافظ شروع کرد: «واعظان کین جلوه در محراب و منبر می‌کنند / چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.» با دفاع او، اعتبارنامه این نماینده متجاوز و آدم‌کش مورد تأیید قرار گرفت.

چند سال بعد در آبان ۹۷ زنی به نام زهرا نویدپور بار دیگر از «سوءاستفاده جنسی» خدادادی از خود گفت و روایت کرد که او و نزدیکانش به مرگ تهدید شده‌اند که شکایت نکنند. حتی فابلی صوتی در تیر ۹۷ در وب‌سایت هرا(وابسته به فعالان حقوق بشر در ایران) منتشر شد که صدای خدادادی در حال تهدید نویدپور به مرگ در آن به گوش می‌رسید. خدادادی از نویدپور می‌خواست شکایتش را پس بگیرد. هرا سندهایی منتشر کرد که نشان می‌داد خدادادی دختران و زنان دیگری را هم هدف آزار و تجاوز قرار داده است.

دفاع پزشکیان در آغاز مجلس هشتم از او از جمله دلیل‌های آزادماندن این مجرم جنسی برای ادامه‌دادن به تجاوزهایش در مصونیت بود.

بالاخره زهرا نویدپور ۱۶ دی ۹۷ پیش از دادگاه به شکل مشکوکی درگذشت و اعلام کردند خودکشی کرده است. خدادادی هم از حمایت مسئولان جمهوری اسلامی، چه اصول‌گرا و چه اصلاح‌طلب، محروم نماند و دستگاه قضایی‌ای که ابراهیم رئیسی ریاست وقت آن را تازه برعهده گرفته بود، خدادادی را از تجاوز تبرئه کرد. مرگ مشکوک نویدپور را هم که بسیاری آشکارا «قتل» می‌دانستند، پیگیری بیش‌تری نشد.

همه این‌ها یعنی ورشکستگی اخلاقی و سیاسی اصلاح‌طلبان و اهمیت‌ندادن آن‌ها به زنان و حقوق‌شان کماکان ادامه دارد.

### پزشکیان و پرونده زهرا کاظمی

پرونده زهرا کاظمی در ۲ تیر ۱۳۸۲، عکاس-خبرنگار ایرانی کانادایی که در حال تهیه گزارش از تجمع خانواده‌های بازداشت‌شدگان ناآرامی خرداد ۱۳۸۲ تهران در برابر زندان اوین بود بازداشت شد و پس از ۱۸ روز بازداشت در زندان درگذشت. محافظه کاران در ایران می‌گفتند او ممکن است به‌طور تصادفی بر اثر افتادن یا حتی زدن عمدی سر خود به یک شیء سخت مجروح شده باشد. سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران تلاش می‌کرد سکنه را دلیل مرگ او عنوان کند.

پزشکیان که وزیر بهداشت بود این که کاظمی خود مسبب این جراحت بوده را رد کرد. او گفت شکستگی جمجمه او نمی‌توانسته در اثر «برخورد تصادفی سر با شیء سخت ایجاد شده باشد». او همچنین در پاسخ به درخواست کانادا برای بررسی دلیل مرگ کاظمی گفت ایران دانش کافی برای معاینه پیکر و یافتن دلیل مرگ او را دارد و این کشور اجازه تحقیق به تیم‌های خارجی را نمی‌دهد. کمیته کارشناسی هیئت تحقیق ریاست جمهوری در خصوص فوت زهرا کاظمی زیر نظر پزشکیان گزارشی تهیه کرد که بر اساس آن مرگ کاظمی «بر اثر ضربه به جمجمه و خونریزی حاصل از آن به وقوع پیوسته و این ضربه موجب ایجاد شکستگی خطی در جمجمه شده است.» پزشکیان در تشریح این گزارش در ۲۵ تیر اعلام کرد «مرگ بر اثر خونریزی مغزی ناشی از ضربه به سر بوده و علت آن سکنه نبوده است.»

مسعود پزشکیان در پاسخ به خبرنگاران، وجود جراحات بر صورت زهرا کاظمی را رد کرد و گفت که هیچ‌گونه جراحی روی صورت او دیده نشده است.

### موضع پزشکیان در جنبش «زن، زندگی، آزادی»

در پی جان‌باختن مهسا امینی و جنبش ۱۴۰۱ مردم ایران، پزشکیان در سخنرانی‌ای به مناسبت اربعین با اشاره به اتفاق رخ داده اعلام کرد نمی‌داند مهسا امینی کشته شده یا فوت کرده؛ اما اگر بابت این اتفاق «زمین دهان باز کند و آدم خودش بمیرد جا دارد.» در ادامه او با حضور در صداوسیما، اعلام کرد از نظر علمی نمی‌شود گفت که مهسا امینی بی‌دلیل فوت کرده. او خواستار ایجاد یک تیم ارزیاب و شفاف‌سازی در خصوص این واقعه شد. و در ادامه با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اعتراضات، آن‌چه «دمیدن در آتش خشم و کینه و افتادن کشور در التهاب و آشوب» خواند را به نفع مردم ندانست و آن را به سود منافقان و دشمنان ایران ارزیابی کرد و نسبت به توهین به رهبر جمهوری اسلامی و آن‌چه که او «کشتن برادران نیروی انتظامی و بسیجی و تخریب اماکن و اموال عمومی» توسط معترضان توصیف کرد؛ ابراز نگرانی کرد.

### دفاع ضعیف پان‌ترکیست‌ها از نامزدی پزشکیان

از زمانی که صلاحیت «مسعود پزشکیان» برای شرکت در نمایش انتخابات ریاست جمهوری جانشینی «ابراهیم رئیسی» تایید شده است، برخی از گرایش‌های رفرمیست و ناسیونالیست معتقدند او که در مه‌آباد به دنیا آمده و تحصیلات دانشگاهی را در تبریز ادامه داده و نماینده پنج دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه‌های انتخابیه تبریز، آذرشهر و اسکو بوده، شانس کسب آرای شهروندان تُرک و گُرد را بیش از دیگر کاندیداها دارد. شهروندان در این باره چه می‌گویند؟

«ابراهیم ساوالان»، نویسنده و فعال مدنی آذربایجانی در حساب فیس‌بوک خود بعد از تایید صلاحیت پزشکیان و واکنش تُرک‌ها نوشته است: «فضای عمومی پرشور و عجبی به نفع پزشکیان شکل گرفته است و در همین چند ساعت نزدیک پنج جلسه عمومی، هرکدام با تعداد نفرات بیش‌تری برای حمایت از پزشکیان در مشکین برگزار شده است. فرهنگیان و معلمان نیز جلسه عمومی بزرگی را هماهنگ کرده‌اند و فعالان سیاسی شهر نیز هماهنگ می‌کنند تا کارهای ستادی را بین خود تقسیم کنند؛ حتی آنان که تا چند روز پیش تمایلی به رای‌گیری نشان نمی‌دادند.»

در روزهای اخیر، فعالان سیاسی روی سخنوری و تسلط پزشکیان به نهج‌البلاغه بسیار تاکید کرده‌اند.

ابراهیم ساوالان، مدعی است: «خیلی بیش‌تر از آن‌چه که فکر می‌کنیم، به‌خاطر پزشکیان به صندوق برمی‌گردند... به‌نظرم نظام با ریاست‌جمهوری پزشکیان هم زیاد مشکل نخواهد داشت.»

«رضا طالبی»، پژوهش‌گر در «دانشگاه لایپزیگ» و تحلیل‌گر سیاسی تُرک در گفت‌وگو با ایران‌وایر، در مورد تایید صلاحیت پزشکیان می‌گوید: «پزشکیان قبلاً که در انتخابات مجلس رد صلاحیت شده و خامنه‌ای گفته بود که تجدیدنظر شود. برای تایید صلاحیت پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری هم این خواسته علی‌خامنه‌ای بود که مشارکت در انتخابات را بالا ببرد. من فکر می‌کنم که پزشکیان نفر مورد تایید بیت است، نه جلیلی و قالیباف که در سال‌های اخیر نشان داده‌اند نامزدهای ضعیفی هستند و پایگاه اجتماعی گسترده‌ای ندارند.»

طالبی به ایران‌وایر می‌گوید: «شاید بتوان گفت که مسئله اتنیکی هم در بالا بردن مشارکت تاثیرگذار باشد؛ به‌عنوان مثال، مسئله ترک/فارس می‌تواند مشارکت را بالا ببرد و خود خامنه‌ای هم در واقع خواهان این است. حاکمیت نامزدی را تایید کرده است که هم می‌تواند نامزد اتنیکی‌ها باشد، هم نامزد اقلیت‌های دینی، هم نامزد اصلاحات، هم نامزد گروه‌های نزدیک به لاریجانی و احمدی‌نژاد که با حاکمیت زاویه دارند و هم نامزد اعتدال‌گرایان و برخی اصول‌گرایان باشد و طبیعتاً این موجب افزایش میزان مشارکت می‌شود.» «سجاد میرزابور» جامعه‌شناس اهل تبریز در گفت‌وگو با ایران‌وایر گفت:

«جامعه مدنی ترک در سالیان اخیر عملاً از تصمیم‌گیری و مشارکت سیاسی کنار نگه داشته شده‌اند و من فکر می‌کنم پزشکیان می‌تواند تُرک‌ها را فارغ از گرایش سیاسی برای رای دادن تحریک کند. فکر می‌کنم آن‌بستر را بتواند تحریک کند و رای بالایی از تُرک‌ها بگیرد. موضع‌گیری علیرضا بیگی در خصوص فساد حاکم در دوران قالیباف در روزهای اخیر می‌تواند کمکی باشد برای همراهی طیف اصول‌گرایان مناطق تُرک با آرای پزشکیان.»

این جامعه‌شناس در مورد کم‌خطر بودن پزشک‌ها برای حاکمیت گفت: «شاید به صورت نمادین بتوان سقوط هلیکوپتر رئیسی در منطقه کلیبر را غروب خورشید مشهد در خطه آذربایجان دانست. شاید حاکمیت به این نتیجه رسیده است که حلقه خراسان (مشهد) بیش‌تر از آذربایجان از حاکمیت سهم می‌خواهد و به همین دلیل منافع حاکمیت بیشتر با آذربایجان تامین می‌شود تا خراسان. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، آذربایجان به ریاست جمهوری راضی است، ولی خراسان به کمتر از رهبری هم راضی نیست. منظور من از حلقه آذربایجان و حلقه خراسان، گروه‌های ذینفع نزدیک به حکومت است.»

او اضافه کرد: «تنها بدشانسی پزشک‌ها در بحبوحه تبلیغات انتخاباتی، به پایان رسیدن لیگ برتر فوتبال است که اگر او حتی در یکی از بازی‌های باشگاه تراکتورسازی شرکت می‌کرد، قادر به جذب رای هویت‌طلبان ترک نیز می‌شد.»

باین‌حال، فعالین مدنی آذربایجان در شهر ارومیه ۲۰ خرداد، هم‌زمان با اعلام صلاحیت شش تن از کاندیداهای ریاست جمهوری با نصب و توزیع اعلامیه در سطح شهر عنوان کرده‌اند با توجه به تبعیض سیستماتیک علیه ائتیک‌ها در انتخابات نمایشی شرکت نکرده و خواستار تحریم انتخابات شدند.

### مسعود پزشک‌ها در نشست پرسش و پاسخ با دانشجویان

نشست پرسش و پاسخ پزشک‌ها با دانشجویان، روز یک‌شنبه ۲۷ خرداد در دانشکده فنی دانشگاه تهران برگزار شد. مسعود پزشک‌ها، حرکت به سمت حذف ایده حجاب اجباری را ناممکن خواند. او گفت که در صورت انتخاب شدن حتی آزادی زندانیان سیاسی در حوزه اختیارات او نخواهد بود و اگر بخواهد کاری هم در این زمینه بکند اختیار آن را نخواهد داشت. مسعود پزشک‌ها در ادامه گفت: «اگر مقامی به شما وعده آزادی زندانیان در قوه مجریه را داد به شما خیانت کرده و شما را فریب داده است.»

مسعود پزشک‌ها در ادامه تصریح کرد: «آنان که برای رای (جمع کردن) وعده‌ای خارج اختیار خود دادند، اشتباه کردند.» پزشک‌ها گفت که او درباره آینده اقتصادی کشور نیز وعده غیرعملی نخواهد داد.

مسعود پزشک‌ها در جای دیگری از سخنانش از دانشجویان و جوانان خواست که «احترام و جایگاه (رهبر) را نگه» دارند. او گفت: «من رهبری را قبول دارم، حتی ذوب در رهبر هستم. حق ندارید به کسی که قبول دارم توهین کنید.»

مسعود پزشک‌ها نگفت که آیا انتقاد از رهبر میسر است و اگر انتقادی صورت بگیرد فرد منتقد به اتهام یا بهانه «توهین به رهبری» تحت پیگرد قرار می‌گیرد یا نه. او گفت که آزادی از نظر او پرهیز از زیرسئوال بردن «اعتقادات و باورها است.»

مسعود پزشک‌ها ایرانیان مقیم خارج از کشور را نیز متهم کرد که قصد «نابود کردن کشور» را دارند و به «دنبال تبدیل کردن اعتراض به اغتشاش هستند.»

او سپس گفت که ایرانیان خارج از کشور «دلسوز کشور نیستند» و اگر کسانی در داخل با پیروی از آنان نمی‌خواهند در انتخابات پیش‌رو شرکت کنند «طبیعتاً باید انتظار نتایج و عوارض آن را برای خود و کشور داشته باشند.»

این موضع‌گیری‌های پزشک‌ها تأکید بر خطر فرم‌های حکومت و رهبری است. موضعی که پزشک‌ها، حتی صریح‌تر و علنی‌تر از برخی از اصول‌گرایان به زبان می‌آورد و هیچ وعده‌ای به مردم نمی‌دهد جز این که خط فرم‌های حاکمیت را پررنگ‌تر مطرح کند.

### سخنان علی کریمی، دبیر انجمن دانشگاه شریف خطاب به مسعود پزشک‌ها در دانشکده فنی دانشگاه تهران

علی کریمی، به صراحت گفته گفت:

جناب آقای پزشک‌ها!

ما از این فریب‌رنگار هر روزه شما و حکومت بیزاریم / تقاضا می‌کنیم با خروج از این بازی تکراری به توهم دموکراسی دامن نزنید... امروز که ما این‌جا سخن می‌گوییم، شما کاندیدای انتخاباتی هستید که حتی صلاحیت مقربین حلقه اصلی حاکمیت هم در آن احراز نشده است. این صلاحیت که از روی مصحلت است، چه ارزشی دارد؛ جز آن که نمایشی باشد برای جلب مشارکت مردم؟ یک سال قبل از خیزش زن زندگی آزادی دیدیم که حاکمیت چگونه به صلاح‌دید خود از مردم گذر کرد و رییس جمهور سابق را بر صندلی نشاند. حال شما برای این صندلی آمده‌اید.

ما اما باور نداریم که رنگ‌وبوی این حضور جز فریبی برای کسب چند رای بیش‌تر برای صندوق باشد. ما از این فریب‌رنگار هر روزه شما و حکومت بیزاریم. ما دیدیم که چگونه پیش‌چشمان ما در دانشگاه شریف هنگامی که امنیت و آرامش دانشگاه زیر پای نهادهای امنیتی بود، از آن‌ها حمایت کرده و لحظاتی بعد خود را طرفدار جنبش مردم نشان دادید. شاید شما خود را پزشکی دیده‌اید که برای تنفس مصنوعی بالای سر جسم بی‌جان دموکراسی آمده؛ حال آن‌که راه این جسم نه به اتاق درمان، بلکه به گورستان است. ما انتخابات سال ۹۶ را به یاد داریم که اصلاحات به پشتوانه رای مردم به صندلی ریاست جمهوری تکیه زد؛ اما سرانجام صاحب‌منصبان آن دولت ادعا کردند که دولت مسلح اجازه نداده برنامه‌های ایشان پیش‌برود. اگر ادعا دارید که می‌توانید تغییری در شرایط به وجود بیاورید، ابتدا باید توضیح دهید اکنون چه چیزی تغییر کرده جز آن‌که تاریخ مصرف اصلاح‌طلبان برای مردم گذشته است. شما گذر مردم را از اصلاحات ندیده‌اید؟ خانه‌های حلقه قدرت مگر چه قدر از شهرها فاصله دارند؟

چرا تصور می‌کنید که مردم نمی‌دانند کابینه‌ها به اجبار بر از افراد فرمایشی می‌شوند؟ آیا نمی‌دانید سازمان نظامی‌ای که افتخار پوشیدن پیراهن آن را دارید، اکنون به یک تشکیلات سیاسی و امنیتی نیز بدل شده است؟ همین نهاد است که با ورود به تمام حوزه‌های کشور هر رقیب سیاسی‌ای را از صحنه حذف می‌کند و با داشتن قدرت بی‌حد و مرز به سرسخت‌ترین مخالف دموکراسی تبدیل شده و اراده خود را به تمام نهادهای کشور تحمیل می‌کند.

در چنین شرایطی، ریاست جمهوری چه معنایی دارد؟ وقتی نه توان نفوذ در رای بالاسری خود را دارد، نه می‌تواند از دخالت نهادهای موازی با خود مصون بماند و نه تضمینی هست که در تصمیمات درونی خود هم صاحب اختیار باشد. در چنین جایگاهی، چه تعبیری جز یک تدارک‌تجی برای رییس جمهور می‌توان یافت؟ بهتر نیست چنین عرصه‌ای را برای بازیگران آن خالی کنید، اگر نمی‌توانید به پشتوانه رأی مردم کاری را پیش ببرید؟

امروزه حاکمیت چنان مست در غرور است که حتی سیلی عدم مشارکت مردم در مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی نیز او را هوشیار نمی‌کند. اگر ارزش مردم تنها برای همین چهار روز انتخابات نیست، چرا این ارزش در مجوز ورود واکسن راه خود را پیدا نکرد؟ هرچه باشد یادمان نمی‌رود که آن بیماری‌ای که مرگ را به بالین مردم آورد، نه کرونا که ویروس منحوس خودکامگی بود؛ ویروسی که دولت وقت هم برای آن علّاجی نداشت.

آقای پزشک‌پز؛ ما نیز خود قلم را با ترس جان به دست گرفته‌ایم؛ نه در زیر سایه پناه آزادی بیان بلکه با بیم عواقب این گفته‌ها این‌جا ایستاده‌ایم. ما در دانشگاهی زندگی می‌کنیم که دیگر خانه امن نیست؛ بلکه به مکانی امنیتی تبدیل شده است. خفقان به نهایت خود رسیده و ما به عنوان دانشجو پس از هر نقدی ممکن است از سوی نهادهای بیرون دانشگاه احضار شویم.

همه ما به روشنی می‌دانیم که هیچ یک از ارکان حاکمیت صبر شنیدن کوچک‌ترین نقدها را ندارد. نکند توقع دارید که قطعی یک هفته‌ای اینترنت در آبان ۹۸ را فراموش کرده باشیم؟ همان زمانی که مردم در پی مطالبه لقمه‌ای نان به خیابان آمدند و وزیر کشور دولتی که مورد حمایت حامیان فعلی شما بود در پاسخ به کشتار مردم در کمال وقاحت مدعی شد که هم به سر شلیک کردند و هم به پا. حمله به معترضین در نظام متبوع شما به آبان ۹۸ محدود نشد.

این نظام سابقه سیاهی در برخورد با معترضین دارد و آنان را به چشم دشمن خود می‌بیند. خوزستان تشنه‌لب؛ اصفهان در جست‌وجوی آب و زاهدان در تقلاي حیات همه با سرکوب روبه‌رو شدند.

در سرزمینی که اصحاب قدرت ساخته‌اند، خواهانمان به یمن گشت ارشاد امنیت حضور در خیابان را ندارند. ما ربوده شدن زنان و دختران را به جرم گیسوان‌شان دیده‌ایم. مگر فراموش کرده‌اید که مردم در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ برای چه به خیابان آمده بودند و دولت وقت چگونه چشم بر ریخته شدن خون‌شان بست.

مسعود پزشک‌پز در دانشگاه شریف درباره پوشیدن لباس سپاه زمان نمایندگی مجلس مدعی شد: «من باز هم لباس سپاه می‌پوشم؛ سپاه با چیزی که الان می‌بینید متفاوت است. سپاه اگر نبود کشور تجزیه می‌شد.»!

پزشکیان در مناظره با موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی و اعتراضات اخیر در دانشگاه تهران گفت: من باز هم لباس سپاه می‌پوشم؛ سپاه اگر نبود این مملکت تجزیه شده و کارمان تمام شده بود. (منبع: خبرگزاری دانشجویان)



## نامه گلرخ ایرانی از زندان

حساب کاربری گلرخ ایرانی، فعال مدنی و زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، نامه‌ای از گلرخ منتشر کرد. در این نامه گلرخ ایرانی خطاب به اصلاح‌طلبان که مردم را به مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ترغیب می‌کنند، نوشت: شما نه برای پیروزی در انتخابات بلکه برای شکست مردم به میدان آمده‌اید.

این زندانی سیاسی در نامه‌ی خود با اشاره به بازی‌های سیاست اصلاح‌طلبان برای تثبیت خود در بدنه جمهوری اسلامی، نوشت: اصلاح‌طلبان بدانند ما مردم ایران خیانت‌شان را از روز نخست به خاطر داریم. از یاد نمی‌بریم، تثبیت قدرت جمهوری اسلامی و کشتار فاجعه‌بار جوانان در دهه شصت را؛ در روزهایی که شما حزب‌اللهی‌ها و خط‌امامی‌ها در راس امور بودید.

انقلاب فرهنگی و اخراج و خانه‌نشین کردن دانشجویان و اساتید؛ و برتری دادن به سفاهت در برابر لیاقت را؛ کشتار، شکنجه، تجاوز، تواب‌سازی و وادار کردن زندانیان سیاسی به تیر خلاص زدن به رفقاییشان در زندان‌های دهه شصت را؛ و قتل‌های زنجیره‌ای را که توسط شما و گماشتگان در وزارت اطلاعات تحت نفوذتان رخ داد. وقتی در قتل‌های زنجیره‌ای نزدیک به هزار نفر طی چند سال سلاخی شدند، شما یک تدارک‌تجی ساده شدید تا از پاسخ‌گویی شانه خالی کنید و وقتی به جوانان در کوی دانشگاه حمله شد، دست از حمایت‌شان در خیابان و زندان‌ها کشیدید تا توسط انصار حزب‌الله به خاک و خون کشیده شوند و از پشت بام‌ها به زمین پرت شوند و مفقود شوند و بازماندگان‌شان به حبس‌های طولی‌المدت محکوم شوند.



وی در ادامه نامه خود با اشاره به ماهیت اصلی اصلاح‌طلبان و طرفداران پهلوی برای شکست خیزش انقلابی «ژن ژیان نازادی» نوشت: وقتی مردم در سال ۱۳۹۶ و در کف خیابان‌های ایران با شعار «اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، دیگه تمومه ماجرا» به میدان آمدند و از شما گذر کردند، مانند همیشه پوست انداختید و رنگ عوض کردید و پس از آن بخش بزرگی از نسل دوم‌تان در پیوند با پهلوی و چهره‌سازی از او و چهره‌سوزی از نمایندگان واقعی مردم، خیانتی دیگر را رقم زدند و در جایگاه تئورسین و مشاوران و مباحثان درگاه همایونی، حضور مردم را به مصرف خیابان تعبیر کردند و سهمیم شدند شکست خیزش انقلابی ۱۴۰۱.

گلرخ ایرایی نوشت: مردم از اصلاحات گذر کرده‌اند و شما هنوز بر جنازه‌های تلنبار شده‌ی جوانان ایران، وعده‌های محمد خاتمی را دوره می‌کنید. او در سال ۱۳۹۸ پس از کشتار معترضان، ما مردم را امواج مخرب خواند و قدران مقام عظمنا شد. حالا دوباره به میدان آمده‌اید تا نوجوانی و جوانی نسل‌های بعد از ما را نیز همچون ما تباه کنید. بعد از آن همه فراز و فرود و بعد از افزایش بینش سیاسی جامعه در سال‌های اخیر، باز به میدان آمدید تا با فریب افکار عمومی شعبده‌ای دیگر به راه اندازید. اما از پشت میله‌های زندان هم دیده می‌شود که نه برای پیروزی در انتخابات بلکه برای شکست مردم به میدان آمده‌اید.

پزشکیان در تلویزیونی گفت: «ما قرار نیست برنامه جدیدی بنویسیم و یا سیاست‌های جدیدی در کشور اعلام کنیم زیرا سیاست‌های کلی رهبری (خامنه‌ای) مشخص است، گلرخ ایرانی نوشت: «شما شکست خوردگان «فتح سنگر به سنگر» و «روزنه‌گشایی» حالا برای «راه‌گشایی» به میدان آمده‌اید و در سنگر فردی ایستاده‌اید که می‌گوید «قرار نیست برنامه جدیدی بنویسیم یا سیاست جدیدی را اعلام کنیم. چرا که سیاست‌های کلی را خامنه‌ای مشخص کرده است.»

گلرخ ایرایی در پایان نامه‌اش نوشت: «شما همواره گرد ناامیدی به جامعه پاشیده‌اید و وجودتان فرصتی بود برای بقای بیش‌تر رژیم و حالا نیز به همین شعبده‌دل خوش هستید. مردم ایران شما وفاداران به جمهوری اسلامی را فراموش نمی‌کنند.»

### پان ترکیسم

بزرگ‌ترین کاری که امپراتوری عثمانی انجام داد، ایجاد یک کشور بر مدار حکومتی مذهبی و ناسیونالیستی بود. آن‌ها با تصرف بخش‌های زیادی از روسیه تزاری، اروپا، جهان عرب و شامات حکومت خود را مستحکم کردند. پدیده‌های ترکیسم در امپراتوری عثمانی ترویج یافت.

بعد از سقوط حکومت‌های عرب در خاورمیانه، حکومت عثمانی توانست اقتدار کامل منطقه غرب آسیا را به دست آورد. این امپراتوری در اواخر قرن سیزدهم میلادی توسط رهبر قبایل اوغوز یعنی «عثمان یکم» در سوگوت، ترکیه فعلی بنیان گذاشته شد. پیدایش نظریه پان‌ترکیسم که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شدت گرفت ناشی از یک سری عوامل سیاسی و اقتصادی امپراتوری عثمانی، وجود اختلافات جهانی و منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و برخورد منافع آن‌ها در مناطق مهم بالکان، خاورمیانه و آسیای مرکزی نیز بود؛ بنابراین سابقه اندیشه پان‌ترکیسم به دوران عثمانی برمی‌گردد؛ اما ورود این ماجرا به ایران با پدیده استعمار گره خورده است!

البته فعالیت و رفتارهای کشورهای روسیه تزاری هم در پیدایش ترکیسم در ایران بسیار تاثیرگذار بود. البته آن‌ها به پان‌آدریسم روی آوردند.

«احمد آقایی»، یکی از افراد تاثیرگذار و پدر مدرن این موضوع است. او به دلیل نقش داشتن در شکل‌گیری انجمن‌ها و محافل ترک‌گرا، همچون افرادی مانند؛ تورک یوردو و تورک اجاقی در امپراتوری عثمانی بیش از هر وصف دیگر، در مقام یکی از ایده‌پردازان و بنیان‌گذاران جریان پان‌ترکیسم قرار دارد. یکی از این افراد که ناسیونالیسم ترک را در ایران و کشورهای حاشیه آن ترویج می‌داد، «یوسف آقچورا» بود که توسط خود حکومت عثمانی به دلیل فتنه‌طلبی تبعید شد.

در سال ۱۹۰۴ میلادی یوسف آکچور اوغلو، رساله تحت عنوان «اوج طرز سیاست» منتشر کرد که به تدریج اهمیتی در مقام مانیفست پان‌ترکیسم یافت.

در جمهوری نوین ترکیه و در دوره ریاست جمهوری آتاتورک، پان‌ترکیسم بیش از پیش تقویت شد. حزب حرکت ملی که در حال حاضر در ائتلاف دولت رجب طیب اردوغان حضور دارد یک جریان نژادپرست است. شاخه جوانان آن «گرگ‌های خاکستری» نام دارد. دولت اردوغان نیز به پان‌ترکیست‌های ایرانی کمک می‌کند.

ابوالفضل ائلجی‌بیگ، اولین رئیس‌جمهور آذربایجان پس از فروپاشی شوروی به تحریک احساسات پان‌ترکیستی بود و گروهی از آذربایجان با حمایت او مواجه شدند و توانستند سازمان‌ها و رسانه‌هایی در خارج کشور راه‌اندازی کنند.

تا حدودی حیدر علی‌اف و بعدها پسرش الهام علی‌اف نیز همین سیاست‌الچی‌پی را ادامه دادند. اولین کنگره آذری‌های جهان در ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ در باکو برگزار شد. بعدها هم کمیته امور آذربایجانی‌های مقیم خارج در جولای ۲۰۰۲ برای ایجاد روحیه پان‌ترکیستی تاسیس شد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران از طریق تیم تراکتور تبریز، به پان‌ترکیسم و تحریک اختلافات بین مردم کرد و ترک بهره می‌گیرد تا در صورت لزوم چنین اختلافی به درگیری‌های خونینی مانند درگیری‌های یوگسلاوی سابق تبدیل کند.

ترندیول بزرگ‌ترین فروشگاه آنلاین ترکیه شروع کرده است به فروش لباس هواداری از تیم تراکتور که بر بازوی راست پرچم جمهوری آذربایجان و بر بازوی چپ پرچم جمهوری ترکیه نقش بسته و خود پیراهن هم منقش به گرگ خاکستری بر متن سرخ رنگ تراکتورسازی است. چون در ایران همه چیز متولی دارد جز خود کشور ایران!

### مهندسی انتخابات مجلس اسلامی در آذربایجان غربی با دامن زدن به اختلافات کرد و ترک

خبرگزاری مهر جمهوری اسلامی در مقطع انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری در اسفند ماه سال گذشته، ریاکارانه نوشته بود:

«آذری‌ها در تمامی برهه‌های حساس انقلاب اسلامی ثابت کرده‌اند پای آرمان‌های والای نظام ایستاده‌اند و نگاهی به شور و نشاط فعلی در استان از جمله برگزاری همایش‌ها و نشست‌های انتخاباتی، جشن تکلیف سیاسی نیز بیانگر انتخاباتی پرشور و با مشارکت حداکثری است.»

آذربایجان غربی ۱۲ کرسی در مجلس دوازدهم خواهد داشت که شامل سه کرسی برای ارومیه، یک کرسی برای هر یک از شهرستان‌های سلماس، مهاباد و بوکان، یک کرسی برای سردشت و پیرانشهر، یک کرسی برای نقده و اشنویه، یک کرسی برای میاندوآب، باروق و چهار برج، یک کرسی برای تکاب و شاهین دژ، یک کرسی برای خوی و چاپپاره و یک کرسی برای ماکو، شوط، پلدشت و چالدران است.»

این خبرگزاری حکومتی، عمداً این گزارش خود را به آذربایجان غربی اختصاص داده بود که صدها سال است مردم کرد و ترک در کنار و در همبستگی با هم زندگی می‌کنند.

جمهوری اسلامی، همواره به اختلافات ترک و کرد در آذربایجان غربی دامن می‌زند. نتایج انتخابات اخیر مجلس در ارومیه، بار دیگر به اختلافات ترک و کرد دامن زد تا خطر جمهوری اسلامی را کم رنگ کند. زیرا آشکار است که هر چه فاصله دولت با ملت در ایران بیش‌تر می‌شود جمهوری اسلامی ایران می‌کوشد به نفع خود فاصله ملت با ملت را زیاد بکند. در آذربایجان غربی، اختلافات ترک و کرد سابقه تاریخی طولانی دارد و بارها هنگام تضعیف حکومت مرکزی منجر به جنگ‌های خونین بین کرد و ترک شده است. اکنون نیز جمهوری اسلامی ایران در حال دامن به اختلافات تاریخی ریشه‌دار است.

مهندسی انتخابات در آذربایجان غربی، بیش از سایر نقاط ایران توسط نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی انجام گرفته و همه انتقادات هم باید متوجه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران باشد.

می‌دانیم که بازی انتصابی جمهوری اسلامی انتخابات واقعی نیست بلکه کاریکاتور مضحک انتخابات است بنا براین کسانی که از فیلترهای متعدد عبور کرده و تایید صلاحیت شده‌اند نماینده مردم نیستند بنابراین، جدی گرفته شوند.

بعد از برنده شدن کاندیداهای کرد در شهرهای ارومیه، نقده و ماکو، ماموران جمهوری اسلامی، برخی از کردها را تشویق کردند تا زن و مرد به صورت مختلط و بدون حجاب در خیابان‌ها رقص و پایکوبی کنند و با این رفتارشان به ترک‌ها بگویند که شما غافل بودید و ما بازی را بردیم. در حالی که رقصیدن و آواز خواندن آزادانه حق طبیعی همه مردم است و جمهوری اسلامی مانع شادی مردم می‌گردد اما رقص و آواز مهندسی شده جای بحث دارد.

مردم کرد در شهرهایی مانند سنندج انتخابات را تحریم کرده بودند و حتی گفته می‌شود در آن شهر، تنها ۳ درصد واجدین شرایط رای داده‌اند اما کردهای ساکن در ارومیه و حومه نه تنها رای دادند بلکه از نقاط دیگر نیز کردها برای رای دادن به ارومیه آورده شدند.

دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی روز جمعه ۲۱ اردیبهشت سال جاری به پایان رسید. آمارهای مختلف اعلام شده حکایت از مشارکت بسیار کم در دور دوم انتخابات داشت. در تهران تنها هفت درصد واجدان شرایط رای دادند.

رسانه‌های داخلی ایران گزارش داده‌اند که میزان مشارکت در دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی نه تنها از دور اول بلکه از دور دوم انتخابات‌های پیشین نیز کم‌تر بوده است.

بنا به اعلام وزارت کشور در تهران، ری، شمیرانات، پردیس و اسلام شهر مجموعاً ۵۵۲ هزار رای صحیح داده شده است. بیش از هفت میلیون و ۷۷۵ هزار نفر در این حوزه حق رای داشته‌اند و بر این مبنا رسانه‌های ایران از مشارکت ۷ درصدی در تهران خبر داده‌اند.

مسعود پزشکیان، نماینده چندین دوره مجلس و وزیر پیشین بهداشت و نامزد کنونی ریاست جمهوری، یکی از نمایندگانی بود که به دلیل «عدم التزام به نظام جمهوری اسلامی» رد صلاحیت شد اما پس از آن اعلام کرد که «اگر دخالت رهبری نبود امکان رد من وجود داشت.»

به گزارش رسانه حکومتی مشرق، محمد ایمانی در کانال تلگرامی خود نوشت:

فرماندار تبریز، ۲ اسفند ۱۴۰۲، در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم و درباره واجدان حق رای در این شهر گفته بود: از مجموع جمعیت یک میلیون و ۸۶۳ هزار و ۷۷ نفری این شهرستان، یک میلیون و ۳۵۸ هزار و ۷۵ نفر واجد شرایط رای دادن هستند.

پس از برگزاری انتخابات، آقایان روح‌الله متفکر آزاد و مسعود پزشکیان به ترتیب با کسب ۱۰۰ هزار و ۸۵۵ رای و با ۸۹ هزار و ۲۴۸ رای، به‌عنوان نفرات اول و دوم به مجلس راه یافتند.

به‌عبارت دیگر در انتخابات اسفند گذشته، ۸ درصد واجدان حق رای در این شهر به پزشکیان رای دادند.

## نوار لو رفته جواد ظریف

چندی پیش یک فایل صوتی از سخنرانی جواد ظریف وزیر خارجه سابق ایران که در یک محفل «دوستانه» سخنرانی می‌کند به بیرون درز کرده بود. در آن فایل صوتی جواد ظریف وزیر خارجه دولت حسن روحانی می‌گوید: در انتخابات مجلس دوازدهم، سردار محمدعلی جعفری فرمانده سابق سپاه پاسداران و حسین طائب رئیس سابق سازمان اطلاعات سپاه پاسداران که هر دو از معتمدین علی خامنه‌ای هستند، همه‌کاره انتخابات بودند.

این دو نفر که ظاهراً از مسئولیت کنار گذاشته شده‌اند، در پشت پرده از تصمیم‌گیرندگان اصلی هسته سخت قدرت در ایران می‌باشند و مهندسی انتخابات زیر نظر آنان انجام گرفته است.

اظهارات جواد ظریف مدرک درون حکومتی معتبر از مهندسی انتخابات در ایران است مخصوصاً که جواد ظریف اصالت فایل صوتی را بعداً تایید کرد. آذربایجان غربی نیز به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی مهم خود همواره مورد توجه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بوده است و مهندسی انتخابات در آن‌جا برای همگان آشکار بود.

### همبستگی ترک و کرد در جنبش «زن، زندگی، آزادی» در سال ۱۴۰۱

در سال ۱۴۰۱ و در جنبش «زن، زندگی، آزادی»، مردم آذربایجان شعار می‌دادند: یاشاسین آذربایجان، بژی کوردستان. هم‌چنین مقدار قابل‌توجهی دارو و کمک‌های اولیه در تبریز توسط فعالین مدنی و سیاسی آذربایجان جمع‌آوری شد و برای کسانی که در درگیری با نیروهای جمهوری اسلامی زخمی شده بودند به مهاباد ارسال گردید. همین نمونه‌ها به صراحت نشان می‌دهند که حکومت هر موقع احساس خطر می‌کند از طریق نیروهای امنیتی و سایر عوامل خود، سعی می‌کند همبستگی و زندگی مسالمت‌آمیز مردم ترک و کرد را به هم بزند و آن‌ها را به جان هم بیندازد تا از آب گل‌آلود ماهی خود را بگیرد.

سیاست «تفرقه‌بیانداز و حکومت کن» جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس دوازدهم شورای اسلامی به اوج خود رسید. شورای نگهبان برای سه کرسی ارومیه صلاحیت ۱۳۲ نفر را تایید کرده بود که چند نفر از آن‌ها کرد و بقیه عموماً ترک بودند یعنی برای هر کرسی مجلس ۴۴ نفر می‌بایست رقابت بکنند، آن‌هم آدم‌هایی که حتی با ضوابط خود جمهوری اسلامی نیز هیچ یک نه از نظر سیاسی و نه از نظر اجتماعی صلاحیت نماینده شدن را نداشتند. غلامحسین عماری، فرماندار ارومیه انتخابات را طوری مهندسی کرده بود که ترک و کرد با هم رقابت بکنند و با آمدن به پای صندوق‌های رای، تحریم انتخابات توسط مخالفان حکومت را خنثی نمایند. او در جریان انتخابات از حمایت همه‌جانبه استاندار کرد آذربایجان غربی و نیز سران عشایر کرد، کارتل قاچاق و ماموستاها بر خوردار بود و توانست خاطرات منفی گذشته را زنده کند و نقشه حکومت برای تشدید اختلافات ترک و کرد را عملی سازد.

### جنگ خونین نقده

بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷ و عروج جمهوری اسلامی، اغلب شهرها و روستاهای کردنشین دورانی بسیار فشرده و سخت از جنگ و خون‌ریزی را تجربه کردند.

شهر نقده یکی از نمونه‌های خونین جنگ و کشتار را در اوایل سال ۱۳۵۸ تجربه کرد. این درگیری را «غلامرضا حسنی»، امام جمعه ارومیه و یکی از چهره‌های خشن جمهوری اسلامی ایران که همیشه کلاشینکوف روی دوشش بود راه انداخت. کردها و ترک‌ها در نقده سال‌ها با صلح و دوستی در کنار هم زندگی و معاشرت می‌کردند، اما تحریک‌ها کار خود را کرد و آتشی برافروخت که جان دست‌کم ۳۰۰ تن را گرفت و صدها خانواده را آواره کرد.

تعداد زیادی از کردهای این شهر و حتی روستاهای اطراف آن مانند قارنا و ایند قاش بدون این که جرمی مرتکب شده باشند از سر کین‌خواهی ملاحسنی و عناصر تحت امر او، بازداشت و اعدام شدند.

حجت‌الاسلام «غلامرضا حسنی» معروف به ملاحسنی، برآمده از یک خانواده سنتی، مذهبی، زمین‌دار بود که بعد از انقلاب به عنوان نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان غربی و امام جمعه ارومیه منصوب شد. کردها، حسنی و نیروهای تحت نفوذ او را مسبب اصلی جنگ خونین نقده در ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ می‌دانند.

گفتنی است که ملاحسنی پسر بزرگ خود، «رشید حسنی»، را به دلیل این که به «سازمان چریک‌های فدایی خلق» گرایش داشت، لو داد و او بلافاصله اعدام شد. حسنی در خاطرات خود نوشته است: «وقتی خبر اعدامش را شنیدم، اصلاً ناراحت نشدم، چون به وظیفه خود عمل کردم.»

روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در حالی که نهادهای حکومت پهلوی توان و اقتدار قبلی را از دست داده بودند، تظاهرات مردمی در نقده هم آغاز شد. ابتدا رئیس شهربانی خود را تسلیم کرد و سپس مردم به سمت ژاندارمری حرکت کردند. ژاندارم‌ها به سوی مردم تیراندازی کردند و چند نفر نیز کشته و زخمی شدند که در نهایت تعدادی از ژاندارم‌ها اسیر شدند و بقیه فرار کردند. مردم اسلحه‌خانه ژاندارمری را ضبط کردند و مسلح شدند. آخرین پایگاه حکومت پیشین به تصرف کامل درآمد و شهر نظم اجتماعی جدیدی را طلب می‌کرد. مردم شورای شهر را تشکیل داده بودند و شهر را اداره می‌کردند.

جنگ در شهر نقده سه روز ادامه داشت اما این جنگ ترک و کرد نبود جنگ جمهوری اسلامی تازه به قدرت رسیده بر علیه مردم کرد و تفرقه‌اندازی بین مردم کرد و ترک نقده صورت گرفت.

در این دهه‌ها، خشکاندن عمدی دریاچه ارومیه، جلوگیری از آموزش به زبان مادری، مهندسی انتخابات در آذربایجان غربی و حمایت‌های آشکار از بعضی گروه‌های ترک و کرد همگی پروژه‌های فرماندهی منطقه‌ای هستند که توسط عوامل منطقه‌ای حکومت اجرا می‌شوند.



## بازنشستگان در خیابان: خیلی دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم

روز یکشنبه ۲۷ خرداد ماه بازنشستگان تامین اجتماعی، فرهنگی و فولاد بار دیگر در تداوم یکشنبه‌های اعتراضی در چند شهر از جمله در تهران، اصفهان، کرمانشاه، اهواز، همدان، شوش، هفت‌تپه و کرخه به خیابان‌ها آمده و اعتراضات خود را با برپایی تجمعات و راهپیمایی ادامه دادند.

در این اعتراضات بازنشستگان با دادن شعار «خیلی دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم» بر تداوم اعتراضات خیابانی و تنها راه دست‌یابی بر حقوق خویش تاکید کردند. امروز هم‌چنین کارکنان شرکتی مخابرات استان آذربایجان شرقی (خدمات اول و شش‌گام) به دلیل عدم پرداخت سنوات سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و حق بیمه تامین اجتماعی دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای کرمانشاه، تهران، شوش و کرخه، اهواز و همدان تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان، با برگزاری این تجمعات اعتراضی، خواستار اجرای طرح همسانسازی حقوق و مزایا منطبق با وضعیت اقتصادی جاری در کشور و در نظر گرفتن امکانات و سایر مزایا از قبیل دسترسی به خدمات بیمه‌های تکمیلی جهت درمان، هستند. بازنشستگان تامین اجتماعی، هم‌چنین خواستار پرداخت مطالبات معوقه از سال‌های قبل، افزایش حقوق و برخورداری از تامین اجتماعی منطبق با وضعیت اقتصادی و تورم جاری کشور هستند.

افزایش قیمت کالاها و خدمات، سوءمدیریت در اداره کشور منجر به شکل‌گیری اعتراضات گسترده‌ای شده است. برخی از شعارهای داده شده در این تجمعات:

**روسی رو رها کن، فکری به حال ما کن!**  
**خیلی دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی‌دیم!**

تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست  
بیکاری، تورم، بلای جان مردم  
حاصل کار دولت، غارت جیب ملت  
هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت  
فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون  
اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد

بازنشستگان صندوق فولاد اصفهان نیز امروز مقابل صندوق بازنشستگی فولاد در خیابان نشاط این شهر، در اعتراض به مشکلات بد معیشتی، و پایمال شدن حقوق خود بار دیگر دست به تجمع و راهپیمایی زدند. بازنشستگان فولاد، خواستار تسریع در پرداخت کامل معوقات سال ۱۴۰۰، حفظ ماهیت فولادی با تغییر مفاد پیش‌نویس اساس‌نامه صندوق، تکمیل همسان‌سازی بر مبنای ویژگی‌های شاغل فولادی، رفع مغایرت‌های قانونی در صندوق بازنشستگی فولاد، قبل از تعیین هر چشم‌اندازی برای صندوق مذکور، بازگشت جایگاه واقعی صندوق فولاد در برنامه هفتم توسعه هستند. کارکنان شرکتی مخابرات استان آذربایجان شرقی (خدمات اول و شش‌گام) نیز امروز به دلیل عدم پرداخت سنوات سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و حق بیمه تامین اجتماعی در محل کار خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

## نتیجه‌گیری

«جبهه اصلاحات» و بسیاری از چهره‌های آن تاکنون از پزشک‌های بدون اتخاذ هیچ موضع انتقادی حمایت کرده‌اند. هیچ‌کدام از اصلاح‌طلبان به خود زحمت نداده‌اند که نامزدشان را دست‌کم وادار به عذرخواهی بابت مشارکت در انقلاب فرهنگی و سرکوب دانشگاه، حمایت از متجاوز و آغاز سیاست‌های سرکوب‌گرانه جنسیتی در پزشکی کنند.

نمایندگان مجلس دو سال بعد می‌خواستند او را به دلیل انتصاب‌ها و مشکلاتی که برای دارو پیش آمده بود و نیز به دلیل تعرفه‌های پزشکی استیضاح کنند اما او بار دیگر هم رای اعتماد گرفت.

شیگلوف مورخ، نظریه‌پرداز اجتماعی و روشنفکر گروه انقلابی ورخاوینسکی در «شیاطین» داستایفسکی، سیستمی را برای سازمان‌دهی اجتماعی پس از انقلاب طرح‌ریزی می‌کند که به‌زعم او «از آزادی نامحدود شروع می‌کنم، می‌رسم به استبداد نامحدود»؛

برای رسیدن به بهشت زمینی در آرمانشهر شیگالوفی، انسان‌ها به دو دسته‌ی نامساوی تقسیم می‌شوند: ۱۰ درصد مردم باید برای سرنوشت ۹۰ درصد دیگر تصمیم‌گیری کنند و «تشخص و فردیت‌شان را از آن‌ها بگیرند تا با اطاعت کورکورانه، آن‌ها را از شاهراه تحولات و تغییرات پی‌درپی به یک بی‌گناهی و صفا و پاکی که با بهشت زمینی تناسب دارند، راهبری کنند.» او تخمین می‌زند که ۱۰۰ میلیون نفر در راه رسیدن به هدف نهایی «ایدئولوژی‌مان» کشته شوند.

این همان «آینده» بود که ۴۵ سال پیش، حتی برخی احزاب و سازمان‌ها و روشنفکران و سیاستمداران آن زمان، پیش‌بینی کرده بود؛ آینده‌ای که امروز پس از ۴۵ سال، هم‌چنان اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان حکومتی ۱۰ درصد دیگر آرمانشهر شیگالوفی را از آن سهم‌خواهی می‌کنند. هر دو جناح، برای این ۱۰ درصد می‌جنگند. هر چهارسال یک‌بار مردم باید تن به نمایش مضحکی ور در عین حال دردناکی با نامه «انتخابات» بدهند تا از میان بد و بدتر یکی را انتخاب کنند!

مسعود پزشکیان، نامزد جناح اصلاح‌طلبان شکست‌خورده حکومتی، در مصاحبه با صداوسیما بار دیگر به تعریف و توصیف از رئیسی «جلاد» پرداخت.

مجری برنامه: آقای پزشکیان به پایان برنامه تقریباً رسیدیم مایلم که حسن ختام برنامه این باشه که نظر جناب‌عالی رو بشنوم در خصوص شخصیت رئیس‌جمهور شهید آیت‌الله رئیسی

پزشکیان: خدا روح شون رو شاد کنه روح رئیس‌جمهور شهید ما رو روح امام جمعه محترم شهر ما رو وزیر خارجه رو استاندار و خلبان‌ها و اون عزیزانی که کادر پرواز بودند و به اضافه اون فردی که محافظ ریاست محترم جمهور بود. آقای رئیس‌جمهور خب در برخوردهایی هم که من قبلاً باهاش داشتم واقعا دنبال حق بود و دنبال عدالت حالا چه قدر می‌تونست اینکارو بکنه اون بحثش جداست.

سه‌شنبه بیست و نهم خرداد ۱۴۰۳-هجدهم یونی ۲۰۲۴

### ضمایم:

\*چه کسی جانشین ابراهیم رئیسی «جلاد» خواهد شد: [قالبیاف یا جلیلی؟ بهرام رحمانی](http://azadi-b.com)  
[چه کسی جانشین ابراهیم رئیسی «جلاد» خواهد شد: قالبیاف یا جلیلی؟ \(azadi-b.com\)](http://azadi-b.com)

\*«محمد مخبر» جانشین ریاست جمهوری و کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی، همگی پرونده‌های جنایی و مافیایی دارند! بهرام رحمانی  
[«محمد مخبر» جانشین ریاست جمهوری و کاندیداهای ریاست جمهوری اسلامی، همگی پرونده‌های جنایی و مافیایی دارند! \(azadi-b.com\)](http://azadi-b.com)

\*تاریخ جنایت کاران را هرگز فراموش نمی‌کند! بهرام رحمانی  
[تاریخ جنایت کاران را هرگز فراموش نمی‌کند! \(azadi-b.com\)](http://azadi-b.com)

\*در مقابل دفاع گروهی نژادپرست از حمله نظامی ترکیه به روزآوا، با شعار «مرگ بر کرد» در تبریز، سکوت نکنید! بهرام رحمانی  
[در مقابل دفاع گروهی نژادپرست از حمله نظامی ترکیه به روزآوا، با شعار «مرگ بر کرد» در تبریز، سکوت نکنید! | آرشبو مطالب سایت آزادی بیان \(azadi-b.com\)](http://azadi-b.com)

\*گفت‌وگوی صدای نو در سیدنی با احمد اسکندری و بهرام رحمانی در باره شعار «مرگ بر کرد» در استادیوم تبریز، چرایی، تبعات و عملکرد و عکس‌العمل‌ها در قبال آن، ۵ نوامبر ۲۰۱۹.  
لینک این گفت‌وگو: [https://www.youtube.com/watch?v=cfNOgRvqI\\_U](https://www.youtube.com/watch?v=cfNOgRvqI_U)